

دلالت‌های قواعد فقهی برای سیاست‌گذاری

فضای مجازی^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۵

حسین مهدی‌پور^۲

ناصر باهنر^۳

چکیده

در این مقاله دلالت‌های قواعد فقهی برای سیاست‌گذاری فضای مجازی واکاوی شده است و انتخاب قواعد فقهی از آن‌رو است که این قواعد به‌طور ماهوی یک حکم کلی مرحله عمل و کار است و یک مرحله از اجرا فاصله دارد و از این‌رو متناسب با کاربرد آن در سیاست‌گذاری حوزه‌های مختلف است. پرسش اصلی پژوهش چیستی این دلالت‌هاست و براین اساس هشت قاعده فقهی شامل لاضرر، نفي سبيل، حرمت اختلال در نظام، اعانه بر اثم، اتلاف، مصلحت، تعظیم شعائر و تحذیر واکاوی و دلالت‌پژوهی شده است. پژوهش از حیث پارادایم روش‌شناسی یک پژوهش کیفی است و گردآوری داده‌ها به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل به‌روش دلالت‌پژوهی انجام شده است. مقاله حاضر نشانگر آن است که قواعد فقهی برای لایه‌های سه‌گانه زیرساخت، سرویس و خدمات و محتوا دارای دلالت‌های اختصاصی است.

واژگان کلیدی

فقه امامیه، دلالت‌پژوهی، فضای سایبر، اینترنت، سیاست‌پژوهی، سیاست‌های کلان.

۱- مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری تخصصی است.

۲- دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) (نویسنده مسئول).

Mahdipour2001@gmail.com

۳- استاد دانشکده معارف اسلامی فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

Bahonar@isu.ac.ir

مقدمه

دلالت‌های فقهی برای سیاست‌گذاری فضای مجازی است. پرداختن به این دلالت‌ها از حیث جایگاه فقه و مبانی فقهی به‌عنوان یکی از چهارچوب‌های کلان و مبنایی سیاست‌گذاری مطلوب فضای مجازی در جمهوری اسلامی است و در این راستا برخی از قواعد فقهی بررسی شده است. انتخاب قواعد فقهی برای این امر نیز به این دلیل انجام پذیرفت که قواعد فقهی که به‌طور ماهوی یک حکم کلی مرحله عمل و کار است و یک مرحله از اجرا فاصله دارد و از این رو متناسب با کاربرد آن در سیاست‌گذاری حوزه‌های مختلف و از جمله فضای مجازی است (مهدی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۳۷). در این راستا اولویت با آن دسته از قواعد فقهی است که دلالت‌های حاکمیتی بیشتر و قوی‌تری به‌دست می‌دهند که شامل قواعد فقهی لاضرر، نفی سبیل، حرمت اختلال در نظام، اعانه بر اثم، اتلاف، مصلحت، تعظیم شعائر و تحذیر است.

۱- اهمیت و ضرورت

در کشور ما قانون اساسی به‌عنوان قانون مادر، بخش مهمی از شاکله محتوایی خود را از فقه امامیه اخذ کرده است و در قوانین عادی نیز مغایر نبودن آن‌ها با شرع از شروط ضروری تصویب نهایی آن‌ها است و بر این اساس طبیعی است که سیاست‌گذاری خرد و کلان در هر حوزه‌ای از نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی در کشور نیز به‌نحوی از انجا مرتبط با نظام فقهی است. بر این اساس سیاست‌گذاری فضای مجازی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ بنابراین واکاوی دلالت‌های فقهی برای سیاست‌گذاری حوزه کلان فضای مجازی یک ضرورت است که در صورت نبود آن، امکان تغایر این سیاست‌ها با فقه و به‌تبع عملی نشدن آن‌ها در نظام اجرایی کشور، وجود خواهد داشت.

۲- پرسش پژوهش

قواعد فقهی فقه امامیه چه دلالت‌هایی برای سیاست‌گذاری فضای مجازی دارند؟

۳- مفاهیم

۳-۱- تعریف قاعده فقهی

قبل از ورود به توضیح و تشریح هر یک از قواعد فقهی، ضروری است در ابتدا مفهوم و جایگاه قاعده فقهی به صورت مختصر معرفی شود. از نظر برخی صاحب‌نظران، در تاریخ فقه شیعه مجموعه فنونی شکل گرفته است که یکی از این فنون «قواعد فقهی» است. (مبغی، ۱۳۸۳، ص. ۴). تعاریف متعددی از قواعد فقهی ارائه شده است. در یکی از تعاریف که تقریباً جامع و مانع به نظر می‌رسد، آمده است: «الحکم الکی الذی ینطبق علی جمیع جزئیات» (تعریف احکامها منته: حکم کلی که بر تمامی جزئیاتش منطبق است تا احکام از آن شناخته شود)؛ بنابراین قاعده فقهی دربرگیرنده حکم‌های مشابه، در مورد مسائل جزئی مشابه است (ابن نجیم حنفی، ۱۴۰۳ق، ص. ۲۲ به نقل از صاحب‌نصار، ۱۳۸۸، صص. ۲۳ و ۲۷). فخرالمحققین در تعریف قواعد نوشته است: «قواعد جمع قاعده است و به معنای یک امر کلی است که [برخی موارد بر آن] مبتنی است و حکم برخی چیزها از آن استنباط می‌شود و همانند یک کلی یا اصل است که بر جزئیات و فروعش منطبق می‌شود» (محقق طی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص. ۸). شهید اول نیز در تعریفی مشابه که احتمالاً متأثر از فخرالمحققین است، قاعده فقهی را ضابطه‌های کلی فرعی می‌داند که از آن قاعده‌ها، احکام شرعی استنباط می‌شود (حسینی، ۱۳۹۶، ص. ۲۰).

۳-۲- تفاوت قاعده فقهی با مسئله فقهی و قاعده اصولی

تفاوت اصلی قاعده فقهی و مسئله فقهی از حیث موضوعی است؛ به این نحو که موضوع قواعد فقهی وسیع‌تر از موضوع مسئله فقهی است و به این سان گاهی ممکن است مسائل مختلف فقهی زیرمجموعه یک قاعده فقهی قرار می‌گیرد و قاعده فقهی را می‌توان بر جمیع آن مسائل تطبیق کرد. تفاوت آن با قاعده اصولی در آن است که قاعده اصولی به عنوان کبری قیاس و استنباط قرار می‌گیرد درحالی‌که قاعده فقهی این‌گونه نیست (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، صص. ۵-۶). قواعد فقهی حکم‌هایی کلی هستند که با تطبیق آن‌ها بر مصادیقی که دارند، احکام شرعی به دست می‌آید؛ بنابراین همان‌گونه که در سطور قبلی اشاره شد، تفاوت قواعد فقهی با قواعد اصولی در این است که مانند قواعد اصولی، ابزار کشف حکم

نیستند و مانند منطق فقه عمل نمی‌کنند و با مسائل فقهی نیز این تفاوت را دارند که کلیت و شمول دارند و به یک مورد معین اختصاص ندارند (حسینی، ۱۳۷۸، ص. ۷۳). نسبت به قواعد فقهی رویکردهای مختلفی وجود داشته است که از رویکردهای مهم، رویکرد اول با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای قانون‌گذاری بوده است و رویکرد دیگر با هدف برقرار کردن رابطه‌ای میان فقه و حقوق و ارائه فقه در قالب یک نظام حقوقی می‌باشد (مبلغی، ۱۳۸۳، ص. ۷). فرحی (۱۳۹۰) نیز در تفاوت قاعده فقهی با قاعده اصولی و مسئله فقهی به نکاتی اشاره کرده است. براین اساس قاعده فقهی در اغلب موارد، احکامی فقهی هستند که در یک جمله بیان شده‌اند و حکمی کلی است که دارای احکام جزئی بسیاری در باب‌های مختلف فقهی است؛ اما مسئله فقهی در بیشتر موارد در یک باب فقهی و در یک زمینه است. درباره تفاوت مسئله اصولی با قاعده فقهی نیز مطرح شده است که مسئله اصولی دلیل حکم است و خود حکم نیست؛ بنابراین حکم کلی یا جزئی در یک یا چند باب نیست؛ اما تفاوت مهم دیگر مسئله اصولی و قاعده فقهی نیز در این جاست که «در قاعده فقهی منظور اصلی، حکم است که پس از اقامه دلیل بر قاعده، استفاده می‌شود؛ اما در مسئله اصولی منظور اصلی دلیل است که به وسیله آن حکم به دست می‌آید» (فرحی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳-۱۴).

در یک جمع‌بندی مختصر می‌توان گفت قواعد فقهی میان دو علم فقه و اصول فقه قرار می‌گیرند. مسئله اصولی تا به مرحله عمل رسیدن فاصله دارد و بیشتر جنبه نظری و علمی دارد. مسئله فقهی نیز دقیقاً حکم یک موضوع و عمل معین و مشخص است که انجام شده یا قرار است انجام شود؛ اما قاعده فقهی نه به اندازه مسئله اصولی نظری است و نه به اندازه مسئله فقهی جزئی است بلکه حکم کلی مرحله عمل و کار است و با یک فاصله به مرحله اجرا می‌رسد (قانع، ۱۳۹۷، صص. ۱۷-۱۸). بر اساس توجه به این تمایز و ویژگی‌ای که قاعده فقهی دارد، استفاده از این قواعد برای حوزه‌های سیاست‌گذاری و از جمله سیاست‌گذاری فضای مجازی تناسب و کاربرد بیشتری دارد.

۴- روش پژوهش

این پژوهش از حیث پارادایم روش‌شناسی، پژوهشی کیفی است و گردآوری داده‌ها

به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است و سرانجام تجزیه و تحلیل به روش دلالت‌پژوهی انجام شده است.

دانایی‌فرد (۱۳۹۵) از سه نوع دلالت‌پژوهی نام برده است که عبارت‌اند از: دلالت‌پژوهی نظام‌مند، برایشی و ساخت‌گرا. در مقاله حاضر از دلالت‌پژوهی برایشی استفاده شده است. در این نوع از دلالت‌پژوهی یک پرسش کلی مطرح می‌شود تا این نکته مشخص شود که مأخذ و منبع دلالت‌پژوهی برای یک موضوع معین چه رهنمودها و دلالت‌هایی را دارد و پس از مطالعه مشخص می‌شود که آن حوزه مشخص برای موضوع مورد نظر دلالت‌هایی دارد و این موضوع دلالت‌ها به صورت ناگهانی و ظهوری (برایشی) تشکیل می‌شود و از موضوع‌های دلالت‌ها، چهارچوب اولیه‌ای معلوم نشده است (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵، ص. ۵۰). در این مقاله نیز پس از تعیین حوزه قواعد فقهی به عنوان یکی از بخش‌های مهم فقه امامیه که می‌تواند برای سیاست‌گذاری فضای مجازی دلالت‌هایی را داشته باشد، دلالت‌های آن‌ها برای این عرصه مشخص شد.

گام‌های دلالت‌پژوهی عبارت‌اند از:

- ۱- تعیین اینکه پژوهش دلالت‌پژوهی مناسب است یا خیر؛
- ۲- تعیین منبع و مأخذ احصای دلالت‌ها برای پرداختن به موضوع مسئله پژوهشی؛
- ۳- تعیین فرایندی برای واکاوی ابژه انتخاب‌شده؛
- ۴- تعیین یک چهارچوب مفهومی برای موضوع دلالت‌پژوهی؛
- ۵- نمونه‌گیری نظری از ابژه دلالت‌پژوهی؛
- ۶- احصا کردن نکات کلیدی ابژه دلالت‌پژوهی؛
- ۷- اعتبارسنجی نکات کلیدی ابژه دلالت‌پژوهی؛
- ۸- متناسب‌سای نکات کلیدی با چهارچوب مفهومی انتخاب‌شده برای موضوع دلالت‌پژوهی؛
- ۹- احصا کردن دلالت‌های مورد نظر؛
- ۱۰- اعتبارسنجی دلالت‌های احصا شده؛
- ۱۱- تدوین گزارش پژوهش (دانایی‌فرد، ۱۴۰۰، ص. ۵۱).

۵- قواعد فقهی

۱-۵- قاعده لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام

این قاعده از قواعد مهم و پرکاربرد فقهی محسوب می‌شود و به این معنا است که در اسلام ضرر در اسلام مشروع و پذیرفته نیست و هرگونه ضرر و اعمال آن، نفی شده است. از مستندهای اصلی این قاعده، روایت مشهور از پیامبر اسلام صلی...علیه و آله است که بنا بر آنچه آیت‌الله خویی مطرح کرده‌اند، این روایت به سه ضبط مختلف، در منابع روایی نقل شده است: ۱. به ضبط «لا ضرر و لا ضرار» که در روایاتی مانند روایت ابن بکیر از زراره به نقل از امام باقر علیه‌السلام یا روایت نعمان مصری در دعائم الاسلام آمده است؛ ۲. عبارت «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» که در کتاب مجمع‌البحرین و ۳. به شکل «لا ضرر و لا ضرار علی المؤمن» که در روایت ابن مسکان از زراره از امام باقر علیه‌السلام آمده است (خویی، ۱۴۱۱ق، صص. ۵۱۸-۵۱۹؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص. ۲۱۱). امام خمینی در تفاوت ضرر و ضرار نیز قائل است، اصطلاح ضرر بیشتر در موارد مالی و جانی مطرح می‌شود و هرجا اصطلاح ضرار استفاده شده است بیشتر درباره موارد تضییق و ایصال حرج است (خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص. ۳۱). امام خمینی حدیث مربوط به این قاعده را جزو احکام حکومتی یا به اصطلاح احکام سلطانیه در نظر می‌گیرند (معرفت، ۱۳۷۷، ص. ۴۳۱) که مبنا قرار دادن این دیدگاه درباره قاعده لا ضرر، اهمیت و دلالت‌های آن را برای سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی افزون‌تر می‌سازد.

فقه‌های مشهور درباره این قاعده نظرهای مختلفی دارند. شیخ انصاری، لا ضرر و لا ضرار را به معنای آن می‌داند که در اسلام، احکام ضرری که بر مکلف ضرر وارد سازد، وضع و تشریح نشده است (انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۴۶۰). ملا احمد نراقی، این عبارت را به این معنا می‌داند که موضوع‌هایی که دارای حکم هستند، اگر عنوان اولیه این موضوع‌ها موجب ایجاد زیان و ضرر شود، حکم آن‌ها برداشته می‌شود (نراقی، ۱۴۰۸ق، ص. ۱۸). آخوند خراسانی، لا ضرر و لا ضرار را به معنای نفی ضرر غیرمتدارک می‌داند و معتقد است هرکس به دیگری زیان و ضرری برساند ملزم است که آن را جبران کند و در اسلام ضرری که غیرقابل جبران باشد، وجود ندارد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص. ۲۸۱). آیت‌الله

مکارم شیرازی نیز دایره محدودتری را در نظر گرفته و قائل است دلالت این قاعده تنها درباره نفی اضرار مردم درباره یکدیگر است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۳)؛ اما از آنجاکه محل استفاده ما از این قاعده، دلالت‌های آن برای حوزه سیاست‌گذاری فضای مجازی است، مبنای ما در این پژوهش نظر شیخ الشریعه اصفهانی و امام خمینی است که با امور حاکمیتی و سیاست‌گذاری تناسب بیشتر و بهتری دارد. براساس این دیدگاه، روایت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره «لا ضرر و لا ضرار» را «نهی حکومتی و سلطانی» می‌دانند به این معنا که در اسلام نباید کسی به دیگری ضرر برساند (خمینی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص. ۵۲۰؛ ۱۴۱۰، ج ۵، ص. ۴۰).

بنا بر دلالت‌های این قاعده: ۱. ضرر اعم از جانی و مالی و ایجاد حرج و سختی، مشروع و پذیرفته نیست؛ ۲. قاعده جزو احکام حکومتی است؛ ۳. نفی ضرر به دیگران و لزوم جبران آن در صورت وقوع و ۴. نفی اضرار متقابل مردم و حکومت؛ بنابراین، قاعده مزبور با توجه به گستره و فراگیری کلی آن، دارای تطبیق‌های قابل توجهی در سیاست‌گذاری بخش‌های مختلف فضای مجازی است. مطابق این قاعده، رگولاتوری فضای مجازی باید به نحوی باشد که مانع از هر نوع ضرر و زیان مالی و غیرمالی نسبت به ذی‌نفعان حقیقی و حقوقی شود؛ به‌طورمثال، اختصاص و توزیع محدوده ملی طیف فرکانس‌های الکترومغناطیس و نام دامنه‌های فضای مجازی که جزو منابع کمیاب و ملی هستند و ابعاد مالی و اقتصادی و امنیتی نیز دارند، باید به‌نحوی باشد که استفاده و بهره‌وری حداکثری و بهینه‌ای صورت گیرد و از اتلاف و تضییع آن‌ها جلوگیری شود. در لایه‌های مختلف فضای مجازی، توسعه و سیاست‌گذاری‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که منجر به نقض حریم خصوصی کاربران و سازمان‌ها در فضای مجازی و از طریق فضای مجازی نشود.

این قاعده در لایه محتوا و خدمات نیز می‌تواند مستند فقهی برای سیاست‌گذاری‌ها و به‌ویژه سیاست‌های حوزه پالایش در هر دو سطح پیشینی و پسینی در موضوع‌های مرتبط با جرایم رایانه‌ای اعم از جرایم امنیت فردی و عمومی و تولید و توزیع محتوای مربوط به هرزه‌نگاری و هرزه‌نگاری کودکان باشد. در سطوح کلان‌تر نیز توسعه ابعاد خارجی فضای مجازی و اینترنت بین‌الملل در تمام سطوح و لایه‌ها که منجر به تضعیف

فضای مجازی ملی و تضعیف منابع داخلی و عدم امکان استفاده از فرصت‌های اقتصادی فضای مجازی برای کاربران داخلی می‌شود، می‌تواند ذیل دلالت‌های مفهومی این قاعده قرار گرفته و مقید شود.

۲-۵- قاعده اتلاف

قاعده اتلاف به این معناست که هر کس اموال دیگری را تلف کند، ضامن است. آیه‌ای که از سوی فقهای قدیم مانند شیخ طوسی برای این قاعده مورد استفاده قرار گرفته است، آیه «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم»؛ هر کس بر شما تعدی کرد، پس بر او همانند آنچه بر شما تعدی کرده است، تعدی کنید (بقره: آیه ۱۹۰). همچنین روایاتی که مستند این قاعده محسوب می‌شوند یکی روایت «حرمة مال المسلم كحرمة دمه»: حرمت مال مسلمان همانند حرمت خون و جان اوست» و دیگری عبارتی است که فقها آن را روایت از معصوم علیه‌السلام می‌دانند مبنی بر این که «من اتلف مال الغير فهو له ضامن»: هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، صص. ۱۰۹-۱۱۰).

به‌طورکلی اتلاف می‌تواند به مالیت شیء تعلق گیرد و برخی اوقات نیز اتلاف به ذات شیء تعلق می‌گیرد؛ اما در این قاعده اتلاف ذات مال منظور و مقصود است و مال نیز به‌صورت عرفی شامل هر آن چیزی می‌شود که مردم در تدبیر امورشان و در زندگی و معیشت‌شان و در سلامت و بیماری و حتی مرگشان به آن نیاز دارند؛ بنابراین مال نیز اعم از اشیاء و منافع است. اتلاف به دو صورت مستقیم (مباشر) و غیرمستقیم (تسبیب) ممکن است واقع شود. اتلاف به‌صورت مستقیم اتلاف حقیقی است و موجب ضمانت است و اتلاف غیرمستقیم (تسبیب) و با واسطه نیز بنا بر اجماع موجب ضمانت است (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، صص. ۱۳-۷). تفاوت این قاعده با قاعده لاضرر نیز در این است که این قاعده صرفاً درباره مال مطرح است و دلالت دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۳).

بر اساس دلالت‌های این قاعده، اتلاف منافع و اموال ذی‌نفعان موجب ضمان است و در اکوسیستم فضای مجازی، ذی‌نفعان می‌توانند شامل حاکمیت، مردم و شرکت‌های بخش خصوصی باشد. براین‌مبنا هر نوع اتلاف و از سوی هر یک از بازیگران فضای مجازی

پذیرفته نیست و تنظیم‌گری و رگولاتوری حاکمیتی فضای مجازی باید سازوکاری را طراحی کند که علاوه بر پیشگیری از اتلاف منافع بازیگران و کنشگران فضای مجازی، نحوه جبران اتلاف احتمالی و نیز ضمانت اجرای لازم برای این امر را پیش‌بینی و محقق کند؛ بنابراین قاعده اتلاف - در هر دو شکل اتلاف مستقیم و غیرمستقیم - در فضای مجازی دارای تطبیقات است. در بخش‌های زیرساختی مانند فناوری بلاکچین و رمزارزهای مبتنی بر این فناوری، تدابیر سیاستی سیاست‌گذاران باید در محدوده حفظ اموال اشخاص حقیقی و حقیقی و پیشگیری از تلف شدن آن‌ها باشد؛ به‌طورمثال وجود ابهام در پروتکل‌ها، قواعدهای مناسبات فنی در زیرساخت‌های فضای مجازی و سایر کشور که به‌طور معمول در اختیار نهادهای دولتی و حاکمیتی قرار دارد، امکان خسارات متعدد به شکل مستقیم و غیرمستقیم به کاربران حقیقی و حقوقی و اتلاف منابع و منافع ایشان را ایجاد خواهد کرد.

در لایه‌های زیرساخت، سرویس و خدمات نیز بر مبنای دلالت‌های این قاعده باید تدوین نظام‌ها و استانداردهای امنیت و استحکام شبکه‌ها، سرویس‌ها و پلتفرم‌ها به‌گونه‌ای باشد که مانع از وقوع مواردی مانند فیشینگ در پرداخت‌های برخظ، هک و نفوذ در زیرساخت‌های حیاتی و خدمات اصلی در کشور شود. دیگر دلالت مهم این قاعده در حوزه تعرفه‌گذاری‌های مرتبط با بخش‌های مختلف فضای مجازی اعم از تعرفه اینترنت تلفن ثابت و اینترنت تلفن همراه است که باید در جهت رعایت منافع مالی گروه‌های ذی‌نفع مانند کاربران و شرکت‌های خدمات دهنده اینترنت باشد. تعیین تعرفه‌ها که معمولاً از طریق سازوکار رگولاتوری انجام می‌شود، باید به‌نحوی باشد که تضمین‌کننده تعادل منافع همه بازیگران و کاربران و پیشگیری‌کننده از انحصار باشد.

۳-۵- قاعده نفی السبیل

قاعده نفی سبیل یا نفی سلطه نیز از قواعد فقهی مهم، مشهور و پرکاربرد است. نام دیگر این قاعده، «قاعده علو» است. مستند اصلی این قاعده آیه ۱۴۱ سوره نساء است: «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً؛ خدواند راهی برای تسلط کافران بر مؤمنان قرار نداده

است». ظاهر معنای آیه نشان‌دهنده این است که خداوند در عالم حق راهی برای کافران «قرار نداده است» (با معنای فعل لم) و راهی نیز «قرار نخواهد داد» (با معنای فعل لن که نفی ابد است) (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۸۷). مستند روایی این قاعده نیز حدیث «اعتلاء» است که در این حدیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه و الکفار بمنزلة الموتی لا یحجون و لا یورثون»: اسلام بر هر چیزی برتری دارد و چیزی بر اسلام برتری ندارد و کافران همانند مردگان هستند که نه ارث می‌برند و نه مانع از ارث بردن دیگران می‌شوند (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۲۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۳۴).

مطابق این قاعده، نفی سبیل و سلطه در مقام تشریح و حکم شرعی است. بر اساس اجماع محصل قطعی، در اسلام حکمی که موجب تسلط کافران بر مسلمانان شود، جعل نشده است. به این معنا حکم اسلامی نمی‌تواند به نحوی باشد که موجب تسلط و برتری کفار نسبت به مسلمانان شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۱۸۹-۱۹۱). مبتنی بر این معنا، در تمام احکامی که اسلام وضع کرده است، جانب نفع مسلمانان مورد نظر بوده و علو و برتری ایشان لحاظ شده است (فاضل لنگرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳۸). شیخ انصاری قائل است این قاعده بر بیشتر قواعد حکومت دارد (انصاری، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۷۹). در یک جمع‌بندی می‌توان گفت قاعده نفی سبیل، هر نوع سلطه کافر بر مسلمان را نفی [و نهی] می‌کند و هر نوع تعامل و روابط فردی یا جمعی با کافران که منجر به تسلط آن‌ها بر مسلمانان شود، از نظر شرعی جایز نیست و بنابراین برای فرد مسلمان جایز نیست که کافر را بر خود مسلط سازد (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۹۳).

در سطور پیشین بیان شد این قاعده بر بسیاری از قواعد دیگر حکومت دارد و از سوی دیگر به سبب گستره‌ای که این قاعده دارد، تطبیقات آن در فضای مجازی نیز قابل توجه است. در ساحت دیگر نیز با توجه به اینکه فضای مجازی فعلی بیشتر ماهیتی بین‌المللی و جهانی دارد، دلالت‌های این قاعده برای فضای مزبور معنادارتر و کاربردی‌تر است. با استناد به قاعده نفی سبیل حکمرانی فضای مجازی کشور و به تبع تمام سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اقدام‌های این حوزه و به‌طور کلی رگولاتوری جامع فضای مجازی کشور و نیز سیاست‌های دیپلماسی فضای مجازی کشور، باید به‌گونه‌ای

باشد که زمینه تسلط کفار را-که مطابق تعریف کفار، شامل اکثریت کشورهای مؤثر در حوزه راهبری اینترنت و فضای مجازی بین‌الملل می‌شود- بر کشور ما به‌طور کامل منتفی سازد. مطابق اطلاقی که این قاعده دارد، دلالت آن شامل تمام سطوح سلطه با همه شئون آن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم می‌شود و هم شامل تسلط «از طریق فضای مجازی» و هم تفوق و برتری «در فضای مجازی» است؛ به‌طورمثال بر مبنای این قاعده تعامل با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی دولتی و خصوصی فضای مجازی و سایر، پذیرش استانداردها، پروتکل‌ها، تعهدها و موافقنامه‌های مرتبط با این حوزه به‌طور کامل باید تأمین‌کننده استقلال کشور در هر دو ساحت «در فضای مجازی» و «به‌وسیله فضای مجازی» باشد.

از مصادیق و دلالت‌های اصلی این قاعده در حوزه زیرساخت و خدمات می‌توان به حفاظت از زیرساخت‌ها و شبکه‌های اصلی کشور و جلوگیری از جاسوسی و نفوذ در آن‌ها و نیز ایجاد و توسعه شبکه ملی اطلاعات اشاره و نیز بومی‌سازی و ملی‌سازی سرویس‌های پایه و اصلی ملی مانند موتور جستجوی ملی، پست الکترونیک ملی، سیستم عامل ملی، مراکز داده، سرویس‌های مکان‌مبنا (مانند نقشه‌ها و مسیریاب‌های برخط)، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های بومی و انواع پلتفرم‌های دیگر و مهم‌تر از این موارد به حفظ تسلط و قدرت شرکتی در حوزه ارائه‌دهندگان خدمات از طریق فضای مجازی، اشاره کرد. در لایه محتوا نیز مهم‌ترین دلالت این قاعده در حوزه نحوه استفاده و محافظت از کلان‌داده‌ها یا بیگ دیتای کاربران داخلی است که براین‌اساس حفاظت از این کلان‌داده‌ها در جهت عدم استفاده و سوءاستفاده رقبا و دشمنان از آن در موضوع‌های مختلف، ضروری و لازم است. دلالت مهم دیگر این قاعده نیز پیشگیری از تأثیرهای ادراکی و شناختی سایر کنشگران خارجی فضای مجازی بر افکار عمومی و کاربران داخلی و همسو است.

۴-۵- قاعده وجوب تعظیم شعائر و حرمت هتک و اهانت به آن‌ها

این قاعده در متون و مباحث فقهی، با عناوین مختلف مانند «وجوب تعظیم شعائر»،

«حرمت اهانت به محترمان» و «الشعائر الدینیة» مطرح و بیان شده است و در مواردی مستقل از هم در نظر گرفته شده است. قبل از ورود به توضیح قاعده و تطبیق‌های فضای مجازی آن، توضیح و روشن کردن معانی واژه‌ها و مفاهیم اصلی قاعده ضروری است. مطابق تعریف مجمع‌البحرین، واژه تعظیم به معنای تفخیم و تجلیل (بزرگداشت و احترام) است (طریحی، ۱۳۲۲، ج ۶، ص ۱۱۸). مفهوم استخفاف، هتک و اهانت در مقابل تعظیم قرار دارد. در العین هتک چنین تعریف شده است: «أن تجذب سترأ فتشوق منه طائفة أو تقطعه فیبدو ما وراءه منه»: پوشش چیزی برداشته شود و بخش و جزئی از آن شکافته یا بریده شود به نحوی که ماورا و آن چه پشت سر آن است، آشکار شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۷۴). استخفاف و هتک نیز هم با قول تحقق می‌یابد مانند توهین و ناسزاگویی و هم با فعل مانند ضرب و جرح (مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۲۹۵).

در معنای کلمه شعائر (جمع شعیره) در الصحاح آمده است «هر آنچه که به‌عنوان نشانه‌ای برای طاعت الهی قرار داده شده است» (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۹۸). شعیره در القاموس نیز به معنای نشانه‌هایی [از دین] که خداوند به آن دعوت فرموده و امر کرده، آمده است (فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۶۰).

در بیان این قاعده به چند آیه از قرآن استناد شده است: «و من یعظم شعائر الله فإنها من تقوی القلوب؛ هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار از نشانه‌های تقوای دل‌های آنان است» (سوره حج: آیه ۲۲) و «یا ایها الذین امنوا لا تحلوا شعائر الله؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حرمت شعائر خدا را نگه دارید» (سوره مائده: آیه ۲) و «و من یعظم حرمت الله فهو خیر له عند ربه: پس هر کس حرمت‌های الهی را بزرگ دارد، این عمل برای او در نزد خدا بهتر است» (سوره حج: آیه ۳۰)؛ همچنین درباره حرمت اهانت به محترمان دینی به اجماع نیز استناد می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۵: ۲۹۴).

به‌طور اجمالی شعائر الهی و حرمت‌های الهی دربرگیرنده مطلق هر آنچه در دین محترم شمرده شده‌اند، است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۵: ۲۹۷). السند (۱۴۳۲ ق) به‌طور مفصل اقوال علمای قدیم و جدید را مطرح کرده و درنهایت در یک جمع‌بندی قائل است که این قاعده بر لزوم اعتلای دین و اقامه نشانه‌های آن در ساحت حیات فردی و اجتماعی و

نظام تربیتی دارد؛ همچنین تعظیم شعائر و هتک محترمان نیز در درجه یکسانی از تعظیم و حرمت نیستند و بر اساس معنی و متعلق آن، دارای طیف و مراتبی از شدت و ضعف است (السند، ۱۴۳۲ق، صص. ۲۱۱ و ۲۶۵). این قاعده دارای اطلاق است و تعظیم شعائر و محترمان [دینی] واجب است و ترک آن و اهانت و توهین به آنچه دارای حرمت است، حرام است. مقدار وجوب و حرمت نیز به میزان آنچه ماهیتاً تعظیم محسوب می‌شود، است (الحسینی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص. ۵۵۶ و ۵۶۲).

بر اساس توضیحی که از قاعده و مبانی آن مطرح شد، تقریباً می‌توان گفت گستره دلالتی این قاعده درباره فضای مجازی بیشتر در لایه محتوا و تا حدودی در لایه سرویس و خدمات قرار دارد و با بُعد کاربر و مخاطب نیز مرتبط است. بر اساس دلالت‌های این قاعده، حفظ قواعد اخلاقی جامعه در پلتفرم‌های مختلف فضای مجازی ضرورت دارد و محتوای انتشار یافته در این فضا باید دارای شاخص‌های حداقلی این امر باشد.

از تطبیقات مهم این قاعده در فضای مجازی می‌توان به وضع و اعمال سیاست‌های در جهت استفاده از ابزارها و امکانات فضای مجازی در سطوح مختلف برای کنشگری ترویجی و تبلیغی در حوزه فرهنگی و دینی در دو بُعد سلبی و ایجابی اشاره کرد؛ بنابراین از مؤلفه‌های مهم تنظیم‌گری و رگولاتوری فضای مجازی در لایه‌های خدمات و به‌ویژه در لایه محتوا، توجه به مضمون و مفاد این قاعده است. بر این اساس یکی از خطوط قرمز محتوا در فضای مجازی مربوط به محتوای مشتمل بر توهین و هتک مقدسات و محترمان دینی است و از جهت‌گیری‌های مطلوب در این زمینه تعظیم و پاسداشت محترمان و مقدسات دینی و اسلامی است. بر این پایه، یکی از مؤلفه‌های اصلی تعرفه‌گذاری‌های ترجیحی و تشویقی فضای مجازی و به‌ویژه در حوزه سرویس و خدمات مربوط به محتوا (در بُعد ایجابی) و نیز پالایش محتوا در فضای مجازی به‌صورت پیشینی و پس از انتشار (در بُعد سلبی)، قاعده وجوب تعظیم شعائر و حرمت اهانت به محترمان است. دلالت تخصصی دیگر این قاعده، قرار گرفتن محتوا تحت رگولاتوری منسجم حاکمیتی و مشارکتی برای تضمین مطلوب‌سازی و سالم‌سازی محتوای فضای مجازی است.

۶-۵- قاعده مصلحت

صلاح در الصحاح به معنای «ضد فساد» آمده است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۸۳). لسان العرب نیز صلاح را در مقابل فساد تعریف کرده و مصلحت را همان صلاح و جمع مصالح دانسته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۱۷). مجمع البحرین نیز مصلحت را به معنای خیر [و نفع] آورده است (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۸۹).

اصطلاح مصلحت در فقه در سه معنا به کار رفته است: ۱. مصلحت به معنای منشأ صدور احکام الهی؛ ۲. مصلحت به مثابه منبعی برای استنباط احکام الهی و ۳. مصلحت به عنوان مبنا و قاعده احکام حکومتی. مقصود از مصلحت در این قاعده، همان معنای سوم است و فقها نیز معنای مورد استفاده از مصلحت را به همان معنای خیر و منفعت در نظر گرفته‌اند. در اینجا منظور از قاعده مصلحت این است که در حکومت اسلامی همه امور اعم از برنامه‌ها، طرح‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های سازمان‌ها، نهادها، مسئولان حکومتی و دولتی باید مطابق مصالح و منافع جامعه باشد (حسینی، ۱۳۹۶، صص ۱۶۸-۱۶۹). شیخ مفید نیز از جمله فقهای است که مصلحت را از منشأها و اصول صدور حکم حکومتی قلمداد کرده است. (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۸).

عمید زنجانی (۱۳۸۶) نیز پس از بحث درباره معانی مختلف لغوی و اصطلاحی مصلحت، در نهایت متناسب با آنچه در فقه مورد نظر است، تعریفی را ارائه می‌کند: «سودمندی معقول و اجتناب‌ناپذیری که ضرورت تأمین آن از بیان شرع معلوم شده و عقل نیز در تأیید و تبعیت از شرع، انجام یا ترک آن عمل را الزام‌آور تلقی می‌کند» (عمید زنجانی، ۱۳۸۶: ۲۰۴)؛ بنابراین قاعده مصلحت می‌تواند به چند معنا باشد: ۱. به معنای ضرورت حفظ نظام و حاکمیت اسلام و حراست و حفاظت از موجودیت دین ۲. اصل رعایت مصالح عمومی و تقدم آنها در برابر مصالح فردی و گروهی ۳. مصالح عمومی رعایت شده در احکام کلی اسلام مانند حفظ جان و مال افراد ۴. قاعده نظم عمومی و رعایت نظام زندگی بشری (عمید زنجانی، ۱۳۸۶، صص ۲۵۱-۲۵۲).

برای قاعده مصلحت به‌طور کلی سه دسته ادله وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱. قدر متیقن از ادله ولایت فقیه و از جمله روایت «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة

احادیثنا^۱» که دال بر این است که مراجعه به فقیه برای آن است که طبق مصلحت جامعه اسلامی و مسلمانان تصمیم بگیرد؛ ۲. سیره ائمه که شامل سیره حکومتی پیامبر، امیرالمؤمنین و امام حسن سلام‌الله‌علیهم است که طبق مصالح و منافع امت اسلامی عمل می‌کردند؛ ۳. قرآن و از جمله آیه ۸۸ سوره هود «إن أريد إلا الإصلاح ما استطعت و ما توفیقی إلا بالله^۲»؛ ۴. روایات که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به بخشی از خطبه ۲۰۷ امیرالمؤمنین سلام‌الله‌علیه اشاره کرد که فرموده‌اند: «... و حق الرعية على الوالی فریضة ... فجعلها نظاما لألفتهم و عزاً لدينهم فليست تصلح الرعية إلا بصلاح الولاية إلا باستقامة الرعية»^۳ (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۱، ص. ۶۸۳؛ حسینی، ۱۳۹۶، صص. ۱۷۳-۱۷۷).

بنا بر دلالت‌های قاعده مصلحت: ۱. حفظ حاکمیت و نظام اسلام در فضای مجازی و به‌وسیله فضای مجازی ضرورت دارد؛ ۲. حفظ موجودیت دین در این فضا نیز ضروری است؛ ۳. مصالح عمومی جامعه درباره فضای مجازی یا پیامدها و آثار ناشی از آن، بر مصالح فردی و گروهی ترجیح دارد؛ ۴. مصالح موجود در احکام اسلامی مانند حفظ جان و مال مردم در این فضا نیز باید حفظ و برآورده شود؛ ۵. حفظ نظام زندگی عموم مردم و نظم عمومی نیز نباید به‌واسطه فضای مجازی یا از طریق آن دچار اختلال شود. در ادامه نیز دلالت‌ها و تطبیقات جزئی‌تر این قاعده برای فضای مجازی، بیان می‌شود.

اگر در این قاعده معنای مصلحت حفظ حاکمیت اسلام و حفاظت و صیانت از کلیت اسلام و دین در نظر گرفته شود، در این صورت تطبیقات اصلی این قاعده در فضای مجازی با سطوح کلان و مبنایی این فضا مرتبط خواهد شد. در این حالت سیاست‌گذاری کلان و بنیادین فضای مجازی کشور و سیاست‌های توسعه‌ای این فضا در تمام سطوح و لایه‌ها و به‌ویژه در ابعاد فرالایه‌ای آن باید در خدمت این هدف و در راستای تأمین منافع

۱. در موضوعات جدید به روایان احادیث ما مراجعه کنید.

۲. من جز اصلاح تا آنجا که توانایی دارم، نمی‌خواهم و توفیق من جز به یاری خدا نیست.

۳. و از حقوق بزرگی که خداوند واجب کرده است حق والی بر رعیت است و حق رعیت بر والی نیز واجب است... پس خداوند متعال ولایت او را سبب تنظیم و سامان یافتن نظام اجتماعی آنان و عزت دینی‌شان قرار داده است، پس رعیت جز در سایه شایستگی والیان به صلاح دست نخواهد یافت و والیان جز با استقامت رعیت به صلاح نخواهند رسید.

اسلام و حاکمیت کلی اسلام بوده و از اتخاذ سیاست‌ها و تصمیم‌های مغایر با این هدف کلی و اصلی، پرهیز شود.

در صورتی که معنای مصلحت رعایت مصالح عمومی و تقدم و اولویت آن‌ها بر منافع و مصالح افراد و گروه‌ها باشد طبیعی است که بر اساس این قاعده سیاست‌ها و تصمیم‌های کلان مرتبط با فضای مجازی باید با در نظر گرفتن این تقدم و اولویت اتخاذ شوند؛ به‌طورمثال در مواردی که توسعه خدمات مختلف فضای مجازی با تضاد منافع و حقوق عموم مردم و کاربران و گروه‌ها یا صنفی از اصناف فعال جامعه مواجه باشد، مطابق این قاعده اولویت و تقدم با منافع عمومی است که از مصادیق بارز این مثال می‌توان به تضاد منافع برخی از کسب‌وکارهای اینترنتی مانند سرویس و خدمات حمل‌ونقل اینترنتی با فعالیت صنفی بخشی از فعالان حوزه حمل‌ونقل شهری و آژانس اشاره کرد.

در معنای سوم مصلحت نیز که به معنای رعایت مصالح و اجتناب مفسد مورد نظر در اسلام است، از تطبیقات مهم این قاعده می‌توان به ضرورت حفظ حقوق کاربران در فضای مجازی به‌ویژه حقوق مالی، جانی، حیثیت و اعتبار اجتماعی و حریم خصوصی کاربران اشاره کرد که طبق این قاعده باید جایگاهی اساسی و بنیادین در سیاست‌گذاری کلان فضای مجازی کشور داشته باشند؛ بنابراین سیاست‌هایی که موجب هتک حیثیت کاربران، ورود به حریم خصوصی ایشان با دستاویزهای مختلف، ایجاد لطمه نسبت به هر یک از متعلقات حیاتی کاربران شود، خلاف مفاد این قاعده فقهی است و نیازمند بازنگری و اصلاح است؛ درحالی‌که مقصود از قاعده همان نظم عمومی زندگی بشری و نظام‌های اجتماعی و معیشتی افراد باشد، داخل در مفهوم قاعده وجوب حفظ نظام و منع اختلال آن می‌شود و تطبیقات قاعده نیز متناسب با تطبیقات و قاعده وجوب حفظ نظام و منع اختلال آن است که این کاربردها و مثال‌ها نیز در بخش مربوط به قاعده مزبور مطرح و بیان شد.

۷-۵- قاعده تحذیر

این قاعده به روایت «قد اعذر من حذر» از امام صادق علیه‌السلام به نقل از امیرالمؤمنین

علیه‌السلام، مستند است. بر اساس این روایت هرکس موقع انجام کاری هشدار و اخطار دهد، معذور است [و با شرایطی مسئولیتی متوجه وی نیست] (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ص ۱۶۳؛ محقق‌داماد، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۳۹). از ادله دیگری که برای این قاعده استفاده می‌شود، آیه ۱۹۵ سوره بقره است: «لا تلقوا بأیدیکم الی التهلکة: خود را با دست خویش به هلاکت نیندازید». شیخ طوسی بیان کرده است این آیه به این معناست که کاری انجام ندهید که منجر به هلاکت شود. علامه طباطبایی نیز قائل است که این آیه اطلاق دارد و شامل هر نوع هلاکت و تباهی می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵، صص ۵۰-۵۱).

این قاعده برای اعمال، محدوده و شرایطی دارد، از جمله: ۱. ضرورت اعلام خطر به نحوی که وجود خطر به صورت صریح و متعارف به مخاطبان اعلام شود؛ بنابراین هشدار و اخطار باید صریح، واضح، روشن و قابل فهم باشد؛ ۲. هشدار باید قبل از وقوع حادثه باشد؛ ۳. ابزارهای هشداردهنده باید با نوع خطر و محیط خطر متناسب باشد؛ ۴. هشدارگیرنده، خود را در معرض خطر قرار داده باشد؛ ۵. ورود آسیب و صدمه نباید ناشی از اقدام توأم با قصد و عمد هشداردهنده باشد (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، صص ۱۶۷-۱۶۸).

بر اساس دلالت‌های این قاعده هشدار و اخطار درباره پیامدها و آسیب‌های سطوح و لایه‌های مختلف فضای مجازی از جمله وظایف حاکمیت و نیز تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان محتوا و خدمات است. این هشدار و آگاهی‌بخشی به مصرف‌کننده و کاربر هم شامل محتوا و موضوع پیام‌ها و سرویس‌های فضای مجازی است و هم دربردارنده آگاهی دادن درباره شیوه و چگونگی استفاده از این موارد است که شامل مصادیقی مانند این قاعده نیز تطبیقات متعددی درباره فضای مجازی دارد. از جمله تطبیقات مهم و دلالت‌هایی که این قاعده می‌تواند برای سیاست‌گذاری فضای مجازی کشور در همه لایه‌های آن، داشته باشد به مواردی اشاره می‌شود. اخطار و هشدار قبلی مسئولان اجرایی نسبت به اختلالات زیرساخت‌های شبکه سایبری کشور و حملات سایبری، گسترش و ارتقای سواد رسانه‌ای کاربران و مخاطبان و آگاهی‌بخشی درباره کمیت و کیفیت استفاده از فضای مجازی و نیز پیامدها و آسیب‌های ناشی از حضور در این فضا

در ابعاد و حوزه‌های مختلف، ایجاد نظام رده‌بندی خدمات و محتوای فضای مجازی و تهیه برچسب‌های تخصصی برای محتوا و خدمات فضای مجازی و دسته‌بندی آن‌ها و تدوین استانداردهای رگولاتوری محتوا خدمات از مهم‌ترین تطبیقات این قاعده فقهی درباره سیاست‌گذاری فضای مجازی کشور است.

۸-۵- قاعده حرمت اعانه و تعاون بر اثم

این قاعده در فروع فقهی بسیاری، مورد استفاده و تمسک فقها قرار گرفته است. اعانه از ریشه «عون» است و در لغت به معنای مساعدت برای انجام کاری است (موسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۳۳). در لسان العرب نیز «اعانه» نیز به معنای پشتیبانی از کاری است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۹۸). در الصحاح نیز «اعانه» و «تعاون» به معنای کمک به دیگری آمده است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۱۶۸).

مستند قرآنی این قاعده آیه ۲ سوره مائده است: «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان: بر هر کار خیر و نیک یکدیگر را یاری کنید و بر گناه و ظلم همکاری نکنید». بخش دوم این آیه که معطوف بر بخش اول آن است با توجه به ظهور فعل نهی در تحریم، دلالت بر حرمت اعانه بر اثم دارد. اثم به معنای مطلق معصیت و هر نوع آن و عدوان نیز به معنای مطلق ظلم از هر نوع که باشد، است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۶، صص ۴۴۳ و ۴۴۶). محقق اردبیلی کمک و مساعدت به ظلم و گناه را در صورتی که همراه با قصد باشد، مصداق اعانه می‌داند. شیخ انصاری نیز از نظر لغوی اعانه را مطلق کمک و مساعدت فارغ از قصد و نیت آن می‌داند اما اعانه بر اثم را کمک و مساعدت در اموری می‌داند که منحصرآ منتج به فعل حرام می‌شوند و عرفاً نیز قصدمند بودن معین، ملاک است (انصاری، بی‌تا، ج ۱، صص ۱۳۹-۱۴۳).

حرمت اعانه بر اثم مستندات روایی نیز دارد که درباره مصادیق و افراد اعانه بر اثم است؛ اما مجموع همه آن‌ها ظهور در حرمت اعانه بر اثم در عنوان کلی خود و به‌ویژه در معاصی بزرگ، دارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۴۷). از جمله این روایات، روایات زیادی درباره کمک به ظالمان و روایات مربوط به انواع مشارکت در تهیه و فروش شراب است.

از جمله احادیثی که در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته است، روایت امام صادق علیه‌السلام است که فرموده‌اند: «لعن رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فی الخمر عشرة: غارسها و حارسها و عاصرها و شاربها و ساقیها و حاملها و المحمولة الیه و بايعها و مشتريها و آكل ثمنها؛ رسول خدا درباره شراب ده گروه را لعن کرده‌اند: غرس‌کننده نهال، باغبان، شراب‌گیرنده، شراب‌خوار، ساقی، حمل‌کننده، کسی که شراب برای او برده می‌شود، فروشنده، خریدار و دریافت‌کننده پول آن» (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص ۴۴۸-۴۵۰).

از نظر دلیل عقلی نیز فقها استدلال کرده‌اند همان‌طور که انجام معصیت و منکر از نظر عقلی قبیح است، دستور دادن و تشویق به انجام آن هم عقلاً قبیح است و فراهم کردن مقدمات برای منکر نیز همین‌طور است. این قاعده مستند به اجماع فقها نیز است؛ اما با توجه به مدرکی بودن آن، این اجماع فاقد اعتبار مستقل است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۷۸).

درباره حقیقت اعانه اختلاف نظر وجود دارد: ۱. اعانه به معنای فراهم کردن هر نوع از مقدمات کار معان علیه به صورت مطلق ولو بدون قصد و نیت اعانه؛ ۲. ایجاد بعضی از مقدمات اعانه با قصد اعانه؛ ۳. اعانه با قصد اعانه برای وقوع عمل و فعل مورد نظر در واقعیت بیرونی و خارجی باشد. این تفسیر و معنا از اعانه قدر متیقن برای مفهوم اعانه بر اثم است؛ ۴. اعانه با قصد یا صدق عرفی محقق می‌شود؛ زیرا اعانه عرفاً در آنچه که قصدی هم در آن نیست تحقق می‌یابد مانند دادن قلم به دست کسی که اراده ظلم به مؤمنین دارد، ولو آنکه قصد [ظلم] نداشته باشد؛ ۵. بین کمک به مقدمات قریبه (نزدیک) و مقدمات بعیده (دور) تفصیل قائل می‌شوند و کمک و اعانه به مقدمات قریبه و وقوع فعل اثم را مصداق اعانه بر اثم می‌دانند و کمک به مقدمات بعیده را مصداق اعانه بر اثم نمی‌دانند؛ البته محقق نائینی قصد حرام را از مقدمات بعیده استثنا کرده و آن را داخل در مصادیق اعانه بر اثم می‌دانند؛ ۶. نفی سایر امور در مدخلیت صدق اعانه به جز علم و آگاهی مشخص معین و کمک‌کننده نسبت به عمل معان (فرد کمک‌شونده) و علم نسبت به وقوع فعل در خارج و واقعیت (موسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، صص ۳۳۶-۳۳۴).

مطابق دلالت‌های قاعده حرمت اعانه بر اثم، هر نوع سیاست و تصمیم درباره فضای مجازی که منجر به وقوع معصیت و ظلم در هر نوعی اعم از مالی، جانی، حیثیتی و آبرویی

و مانند آن شود، مصداق اعانه بر اثم است و مطابق آن چه درباره این قاعده مطرح شد، قدر متیقن این دلالت می‌تواند درباره هر سیاست و تصمیمی که جزو مقدمات نزدیک وقوع ظلم یا گناه در فضای مجازی و یا از طریق فضای مجازی باشد. این قاعده می‌تواند سیاست‌های توسعه و تسهیل امکانات فضای مجازی کشور را در محدوده مشخصی مقید سازد. به این ترتیب در کنار قاعده نفی سبیل، یکی از مؤلفه‌های اصلی تعیین‌کننده سیاست‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی برای نحوه تعامل بین‌المللی درباره فضای مجازی و از جمله سیاست‌ها و فعالیت‌های سیاسی در خصوص رفع یک‌جانبه‌گرایی و انحصارگرایی آمریکا درباره فضای مجازی، دلالت‌های این قاعده خواهد بود.

همچنین بر مبنای این قاعده استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی برای پیشگیری انواع فساد ضروری است و گسترش و توسعه زیرساخت‌های اصلی، مدیریت تولید محتوا، پالایش محتوا و خدمات فضای مجازی، توسعه و افزایش پهنای باند ورودی اینترنت کشور، ایجاد انواع دسترسی‌ها برای گروه‌های مختلف کاربران در سطوح متفاوت و در نهایت هر نوع تنظیم‌گری در هر یک از لایه‌ها، باید با رویکرد جلوگیری از کمک به گسترش معاصی و ظلم باشد. از مصادیق اعانه بر ظلم و معصیت در این حوزه نیز می‌توان به تسهیل نشر و توزیع محتوای ضلال و نیز محتوای مشتمل بر شایعات، القای شبهات دینی، کذب، بهتان، غیبت و توهین، گسترش محتوای فاسد و هرزه‌نگاری، تسهیل بی‌ضابطه و گسترش خدمات خارجی فضای مجازی در مقایسه با خدمات داخلی در صورتی که منجر به وقوع مفاسد در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و امنیتی شود.

۹-۵- قاعده وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال آن

این قاعده به صورت پراکنده در میان مباحث فقهای قدیم بیان شده است؛ اما امروزه به عنوان یک قاعده فقهی مطرح شده است. قبل از ورود به قاعده، ابتدا به معنای نظم و نظام از نظر لغوی پرداخته می‌شود. تاج العروس، نظم را به معنای «ترکیب و ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر و هر چیزی که با چیز دیگری همراه شود» می‌داند (حسینی

زیبیدی، ۲۰۰۰، ج ۱۷، ص ۴۹۶). در مجمع البحرین آمده است، در لغت عرب نظام به معنای نخ‌بوده است که با آن مرواریدها به یکدیگر متصل می‌شدند (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۱۷۶). لسان العرب نیز نظام را به معنای اعم از نخ یا هر آن چیزی می‌داند که به وسیله آن چیزی نظم می‌یابد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۵۷۸).

به‌طور عمده درباره مفهوم نظام، فقهای قدیم و جدید این اصطلاح را در چند معنا به‌کار برده‌اند: ۱. در مواردی که سخن از واجب‌کفایی بودن برخی از امور است این وجوب را به دلیل حفظ نظام می‌دانند؛ به‌طورمثال صاحب‌جوهر استدلال کرده و نتیجه می‌گیرد که رسیدن و تحصیل مرتبه اجتهاد از آن‌رو که نظام [اجتماعی] متوقف بر آن است، واجب‌کفایی است (صاحب‌جوهر، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۴۰۴). امام خمینی نیز به‌مناسبت بحث در کتاب الاجاره در تحریر الوسیله، در نظری مشابه به‌صورت تلویحی واجب‌کفایی بودن برخی امور را از حیث حفظ نظام می‌داند (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶۱۹). در این برداشت، نظام به‌معنای جریان کلی و نظام زندگی و معیشت مردم که شامل مواردی مانند نظام اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. ۲. نظام به معنای حکومت اسلامی یا نظام سیاسی اسلام است. این تعبیر و مفهوم از نظام در مباحث امام خمینی درباره ضرورت حفظ حکومت اسلامی و حفظ نظام سیاسی اسلام مورد استفاده قرار گرفته است (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، صص ۴۶۴-۴۶۵). ۳. در برخی موارد نیز به ضرورت حفظ کشور اسلامی در برابر حمله بیگانگان اشاره و توجه شده است که در این معنا نیز منظور از حفظ نظام، حفظ کشور از این موارد است؛ اما به‌طور کلی با توجه به اینکه در گذشته و در عصر فقهای قدیم، نظام سیاسی و حکومت اسلامی به‌معنا و در قالب فعلی وجود نداشته است، منظور از نظام در مباحث ایشان، به همان معنای نظام و جریان معیشتی و زندگی و نظام اجتماعی جامعه با زیرمجموعه‌های آن است.

درباره منع اختلال نظام و وجوب حفظ آن، امام خمینی در کتاب البیع نوشته‌اند: «حفظ النظام من الواجبات الاکیده، واختلال أمور المسلمین من الامور المبعوضه»؛ حفظ نظام از واجبات اکید است و اختلال امور مسلمین از چیزهای مبعوض و ناپسند است (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۴۶۱). شیخ انصاری نیز در فرائد الاصول در بخشی که به مقوله «احتیاط»

می‌پردازد، قائل است اگر چه به حکم عقل و نقل ترجیح با احتیاط است، اما تردیدی نیست که احتیاط در تمام امور و کارها موجب اختلال نظام می‌شود و فرد حکیم جواز به چنین امری نمی‌دهد (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۲). همچنین ایشان در جای دیگری اختلال نظام و زیان رسیدن به امور معاش و معاد را از ادله نفی عسر می‌دانند. (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص. ۴۱۴).

درباره قاعده وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال آن، به ادله‌ای از سنت، عقل و سیره عقلا استناد و استدلال شده است. از روایات مرتبط با این قاعده می‌توان به روایت فضل بن شاذان از امام رضا سلام الله علیه که در پاسخ به سؤالی درباره ضرورت وجود والی و اولوالامر در جامعه اسلامی و اطاعت از وی است. روایت دیگر را حفص بن غیاث از امام صادق سلام الله علیه نقل کرده است که ایشان اعتبار قاعده ید را به این سبب می‌دانند که اگر قاعده ید معتبر نباشد، نظام بازار مسلمین فرو می‌پاشد و این بر خلاف سیره عقلا است. (حسینی، ۱۳۹۶: ۱۰۲-۹۹)

نظام‌ها در برگیرنده موضوعات و شؤون مختلف زندگی اجتماعی انسان است و این نظام‌ها با یکدیگر پیوند دارند و مرتبط هستند و در عین حال مستقل از یکدیگر هستند و به این ترتیب آن چه که موجب آسیب و ضربه به هر یک از این نظام‌ها شود یا منجر به اختلال آن‌ها شود، جایز نیست و در نتیجه حفظ این نظام‌ها و هر اقدام و عملی در راستای حفظ آن‌ها، واجب است. (وحید بهبهانی، ۱۴۱۷ق به نقل از حسینی، ۱۳۹۶: ۹۷).

قاعده وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال آن از حیث معنای کلی این قاعده، می‌تواند دلالت‌های قابل توجه و مهمی را برای برخی از موضوعات مناقشه برانگیز حوزه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری فضای مجازی داشته باشد. پیش از بیان دلالت‌های جزئی‌تر این قاعده، توجه به این نکته لازم است که نظام در این قاعده هم شامل نظام سیاسی می‌شود و هم شامل سایر نظام‌های جامعه و زندگی مردم اعم از نظام اجتماعی، نظام اقتصادی و مانند آن؛ بنابراین سیاست‌های فضای مجازی در راستای حفظ یکی از این نظام‌ها، نباید منجر به اختلال در سایر نظام‌ها شود. در نتیجه این قاعده مواردی مانند سیاست‌های پالایش فضای مجازی را که سطح گسترده و وسیع آن، می‌تواند بخشی از زندگی عموم جامعه را مختل کند، مقید به محدوده خاصی می‌کند.

در صورتی‌که فضای مجازی در کنار سایر موضوع‌های کلان زندگی اجتماعی همانند اقتصاد، فرهنگ، سیاست و امنیت به‌مثابه یک موضوع در نظر گرفته شود، این فضا نیز مانند نظام اقتصادی، نظام سیاسی و نظام فرهنگی، به‌خودی‌خود یک نظام محسوب می‌شود. اگر فضای مجازی صرفاً از حیث ساحت فناورانه آن منظور باشد و به‌عنوان یک ابزار فناورانه مهم و گسترده که در خدمت شؤون مختلف زندگی بشری است، قلمداد شود این فضا به‌عنوان یکی از امکان‌ها و وسایل و وسائط هر یک از نظام‌ها یاد شده خواهد بود. در حالت سوم می‌توان به فضای مجازی از این زاویه نگریست که یک فضای موازی با فضای واقعی و گاهی بزرگتر از این فضا است و بخشی از زیست و زندگی اجتماعی افراد و به‌تبع معیشت ایشان در این فضا قرار دارد.

در هر یک از این سه حالت قاعده فقهی مورد بحث کاربرد داشته و دارای دلالت‌های سیاست‌گذارانه برای فضای مجازی است. در حالت اول که فضای مجازی یک موضوع و یک نظام مستقل اجتماعی تلقی می‌شود، برهم زدن نظم این فضا و نظام آن که منجر به اختلال جزئی یا کلی آن شود، مصداق اختلال در نظام است. در حالت دوم نیز که فضای مجازی به‌عنوان یکی از ابزارهای فناورانه کلان و مهم در خدمت ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی شناخته می‌شود، ایجاد هر نوع اختلال جزئی یا کلی که موجب توقف استفاده مشروع از ابعاد فناورانه مختلف فضای مجازی شود، در دایره شمول این قاعده قرار می‌گیرد. در حالت سوم نیز که کلی‌تر از دو حالت قبل است، انجام هر کاری که منتج به اختلال زندگی و معیشت مردم در فضای مجازی شود، از مصادیق بارز و مهم قاعده منع اختلال نظام، خواهد بود؛ بنابراین ایجاد اختلال در امنیت زیرساخت‌ها و شبکه‌های حیاتی و اصلی فضای سایبری و مجازی کشور، بر هم زدن و ایجاد خلل در پروتکل‌های اصلی، ایجاد اختلال در فرایند تبادل اطلاعات کاربران در پلتفرم‌های مختلف ارتباطی مانند شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، مسدودسازی بی‌ضابطه هر نوع پلتفرم مفید و قابل استفاده در این فضا و ایجاد اختلال در دسترسی کاربران به سرویس‌های مختلف خدمات و کسب‌وکارهای اینترنتی مجاز از مصادیق اصلی اختلال نظام محسوب می‌شود و پیشگیری از وقوع موارد مزبور و از جمله ایجاد نظام و مرکز جامع رگولاتوری و

تنظیم‌گری فضای مجازی کشور و تدوین استانداردها و پروتکل‌های مربوط به آن و حفاظت و صیانت از آن‌ها از دلالت‌های اصلی وجوب حفظ نظام و منع اختلال آن است.

۱۰-۵- قاعده اضطرار

اضطرار در لسان العرب «احتیاج به چیزی» تعریف شده است و اضطرار به چیزی به معنای پناه بردن به آن است. مصدر آن از واژه «ضرورت» است و اصل آن از ضرر و به مفهوم ضیق است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، صص ۴۸۳-۴۸۴). مقصود از اضطرار و ضرورت در این قاعده به حالتی اطلاق می‌شود که فرد برای حفاظت از مواردی مانند دین، جان، فرزندان و مال به آن روی می‌آورد (وطنی، ۱۳۸۱، صص ۱۹۰-۱۹۱).

مستندات این قاعده شامل آیات قرآن، روایات و عقل می‌شود. از آیات قرآن برای جاری بودن این قاعده به آیه‌های ۱۷۳ سوره بقره، ۱۱۵ نحل، ۱۱۹ و ۱۴۵ انعام و ۳ مائده استناد می‌شود. آیه ۱۷۳ سوره بقره می‌فرماید: «أَمَّا حَرَمَ عَلَيْكَ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ «همانا خداوند مردار و خون و گوشت خوک و آن چه را که به نام غیر خدا ذبح شده باشد، بر شما حرام کرد. پس هر کس که برای خوردن [این موارد] مضطر شود درحالی که از حد ضرورت تجاوز نکند، بر او گناهی نیست و خداوند غفور و مهربان است».

آیه دیگری که به آن استناد می‌شود، آیه ۱۱۹ سوره انعام است که در آن آمده است: «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذَكَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ أَلَّا مَاضِرَّتُمْ إِلَيْهِ»؛ «چرا از آنچه که نام خداوند بر آن جاری شده است نمی‌خورید درحالی که [خداوند] به تفصیل آنچه را که بر شما حرام کرده، بیان کرده است، جز به آنچه که به آن ناچار می‌شوید». در آیه ۳ مائده نیز آمده است: «فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ «کسی که به دلیل گرسنگی ناچار از خوردن شود و حال آنکه تمایلی برای گناه کردن نداشته باشد، همانا خداوند غفور و رحیم است» (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۴، صص ۱۲۸-۱۳۰).

علاوه بر آیات قرآن برای اثبات این قاعده، از روایات متعددی نیز استفاده می‌شود که

به برخی از آن‌ها به صورت مختصر اشاره می‌شود. روایتی از امام صادق سلام... علیه است که شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه آن را به نقل از شیخ صدوق و او نیز به نقل از سماعة بن مهران نقل کرده است. در این روایت آمده است: «لیس شیء مما حرم الله الا و قد أحله لمن اضطرَّ إليه» «از آنچه خداوند حرام کرده است، چیزی نیست مگر آن که برای کسی که اضطرار پیدا می‌کند، حلال کرده است» (حرعاملی، ۱۳۷۳، ج ۵ به نقل از وطنی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۳). روایت دوم نیز از امام صادق سلام... علیه نقل شده است که فرموده‌اند: «من اضطرَّ إلى الميتة و الدم و لحم الخنزیر، فلم يأكل شیئاً من ذلك حتی یموت، فهو کافر»؛ «کسی که به خوردن مردار یا خون یا گوشت خوک اضطرار پیدا کند و چیزی از آن [به قدر ضرورت] نخورد پس او کافر است» (حرعاملی، ۱۳۷۳، ج ۲۴، ص ۲۱۶).

سومین روایت که تقریباً مهم‌ترین روایت در این باره محسوب می‌شود، حدیث مشهور رفع است که شیخ صدوق در خصال از امام صادق سلام... علیه از حضرت رسول صلی... علیه و آله وسلم نقل کرده است: «رفع عن امتی تسعة: الخطاء و النسیان و ما استکروها علیه و ملا یطیقون و ما لا یعلمون و ما اضطرَّوا الیه و الحسد و الطیره و التفکر فی الوسوسة فی الخلق ما لم ینطق بشقة»؛ «از امت من نه چیز برداشته شده است: خطا، نسیان، آنچه بر آن اکراه می‌شوند، آنچه طاقتش را ندارند، آنچه نمی‌دانند، آنچه نسبت به آن مضطر می‌شوند، حسد، طیره، خیال و ظن و وسوسه در خلق تا زمانی که چیزی بر زبان جاری نکرده‌اند». بخش سوم مستندات نیز مربوط به اجماع است که فقهای مختلف بر حسب موارد، به استناد این قاعده حکم داده‌اند. از نظر عقل نیز، اضطرار یک قاعده عقلی است و از سوی ملت‌ها و جوامع و قوم‌های مختلف نیز مورد استفاده و استناد قرار گرفته و عبارت الضرورات تبیح المحظورات حکمی است که مفاد آن عقلی است؛ بنابراین حدیث رفع در احکام تکلیفی جاری است و اثر اضطرار رفع حکم است (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۴، صص ۱۳۲-۱۳۷)؛ بنابراین هر یک از فقها با هر تفسیری که از اضطرار دارند آن را رافع و برطرف‌کننده مسئولیت می‌دانند (عبداللهی علی‌بیک، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

این قاعده نیز در فضای مجازی دلالت‌ها و تطبیقات متنوعی دارد. به طور کلی شرایط اضطرار به همان نحو که در فضای خارجی و واقعی برطرف‌کننده مسئولیت مدنی است،

در فضای مجازی یا شرایط اضطرار ناشی از فضای مجازی نیز برخی از مسئولیت‌ها از عهده هر یک از کنشگران و ذی‌نفعان اصلی فضای مجازی مانند حاکمیت، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات، زیرساخت و محتوا و نیز کاربران حقیقی و حقوقی امکان برداشته شدن دارد. در نتیجه در مواردی مانند وابستگی به دولت‌ها و شرکت‌های خارجی در حوزه‌های مختلف فضای مجازی از سوی دولت و حاکمیت که در شرایط اضطرار و ضرورت رخ می‌دهد، بخشی از مسئولیت‌های دولت را برطرف می‌کند. یا در مثال دیگر، هنگامی که بنا بر شرایطی برخی از پلتفرم‌های خارجی در داخل کشور مسدود شده و امکان دسترسی مستقیم به آن‌ها وجود ندارد، ایجاد دسترسی از روش‌های دیگر در حالت ضرورت و اضطرار منعی پیدا نمی‌کند. همچنین دیگر دلالت مهم و اصلی این قاعده این است که با توجه به آنکه در برهه کنونی فضای مجازی پلتفرمی برای توسعه جوامع و کشورها محسوب می‌شود و اختلال در رشد و گسترش این فضا موجب عقب‌ماندگی کشور در زمینه‌های مختلف نظام اجتماعی خواهد شد، شرایط اضطرار ناشی از این امر می‌تواند توجیه‌کننده گسترش ابعاد فضای مجازی ولو در بخش‌های غیربومی آن باشد؛ البته واضح است که مطابق دایره دلالتی قاعده، این مقوله صرفاً در چهارچوب و به میزان اقتضای ضرورت خواهد بود.

نتیجه‌گیری

قواعد فقهی و لایه‌های فضای مجازی

بر اساس تقسیم‌بندی لایه‌های سه‌گانه فضای مجازی به لایه زیرساخت، لایه سرویس و خدمات و لایه محتوا، هر یک از قواعد فقهی مطرح شده به‌طور کلی می‌توانند درباره لایه‌های مختلف فضای مجازی کاربرد داشته باشند؛ اما در مواردی برخی از این قواعد ممکن است در لایه‌هایی به‌صورت برجسته‌تر مطرح باشند. این موضوع به‌صورت خلاصه در قالب جدول زیر بیان شده است.

جدول ۱: دلالت‌های عمده قواعد فقهی در لایه‌های سه‌گانه فضای مجازی

محتوا	سرویس و خدمات	زیرساخت	قاعده فقهی / لایه‌ها
—	*	*	حفظ نظام
*	*	*	لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام
*	*	*	اتلاف
—	*	*	نفی سبیل
*	—	—	تحدیر
*	*	*	حرمت تعاون بر اثم
*	*	—	تعظیم شعائر
—	*	*	مصلحت
*	*	*	اضطرار و ضرورت

جمع‌بندی بخشی از دلالت‌های اصلی قواعد فقهی در حوزه فضای مجازی

بر اساس تشریح هر یک از قواعد فقهی و با توجه به توضیح برخی از دلالت‌ها و تطبیقات آن‌ها، خلاصه دلالت‌های اصلی و مهم قواعد یاد شده در حوزه فضای مجازی در قالب جدول ۲-۴ بیان می‌شود.

جدول ۲: دلالت‌های عمده قواعد فقهی در لایه‌های سه‌گانه فضای مجازی

بخشی از دلالت‌ها برای سیاست‌ها و برنامه‌های فضای مجازی کشور	قاعده فقهی
ایجاد تعادل در منافع و بهره‌مندی بازیگران مختلف فضای مجازی، از سوی دولت و حاکمیت به‌عنوان نماینده عموم (کد ۰۰۱)	اتلاف
تفکیک تعرفه‌های ترافیک داخلی و خارجی برای کاربران و اعمال تعرفه ترجیحی مبتنی بر رگولاتوری مالی شفاف برای حفظ حقوق و منافع کاربران (کد ۰۰۲)	
ایجاد کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین مسیر دسترسی به محتوا و خدمات مطلوب (کد ۰۰۳)	
استفاده بهینه از منابع ملی و به ویژه منابع زیرساختی توسعه فضای مجازی	

بخشی از دلالت‌ها برای سیاست‌ها و برنامه‌های فضای مجازی کشور	قاعده فقهی
<p>کشور (کد ۰۰۴)</p> <p>استفاده از انباشت تجربیات داخلی و خارجی در توسعه طرح‌ها و ابعاد مختلف فضای مجازی و شناخت مسائل اصلی این حوزه، برای بهره‌وری بیشینه و کمینه کردن هزینه‌ها (کد ۰۰۵)</p> <p>کاهش تعارض‌ها و تزاخم‌های سیاستی و اجرایی در حوزه فضای مجازی در راستای دفع زیان‌های ناشی از هدر رفت منابع و امکانات (کد ۰۰۶)</p> <p>توسعه فضای مجازی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی پیشرفت کشور با رویکرد آینده‌نگرانه و استیفای منافع مختلف مالی و اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی (کد ۰۰۷)</p> <p>حفظ سرمایه‌های اقتصاد ملی و شرکتی با توزیع مناسب و حداکثری این بخش از سرمایه‌ها در چرخه اقتصاد فضای مجازی داخل کشور (کد ۰۰۸)</p>	
<p>توجه به حفظ موجودیت دین و رعایت مصالح و مفاد احکام دینی، در سیاست‌ها و سیاست‌گذاری فضای مجازی (کد ۰۰۹)</p> <p>حفظ نظام و حاکمیت اسلام در فضای مجازی و به‌وسیله فضای مجازی و رعایت این اولویت در تعامل بین‌المللی درباره فضای مجازی (کد ۰۱۰)</p> <p>توسعه فضای مجازی و تعیین سیاست‌های آن با اولویت و ترجیح ظرفیت‌های ملی و بومی و مصالح عمومی جامعه بر مصالح فردی و گروهی (کد ۰۱۱)</p> <p>حفظ حریم خصوصی و حقوق کاربران فضای مجازی به‌ویژه حقوق مالی، جانی، حیثیت و اعتبار اجتماعی ایشان (کد ۰۱۲)</p> <p>حفظ نظم عمومی جامعه در فضای مجازی و نیز با استفاده از این فضا بر اساس قوانین و مقررات اختصاصی و تخصصی (کد ۰۱۳)</p> <p>تنظیم و موازنه طیف «دسترسی» و «محدودیت» در فضای مجازی با تقدم مصالح عمومی جامعه (کد ۰۱۴)</p>	<p>مصلحت</p>
<p>تمهیدهای مشخص درباره آگاهی‌بخشی به مصرف‌کنندگان، نسبت به آسیب‌ها و پیامدهای عام و خاص محتوا و خدمات فضای مجازی از سوی تولیدکنندگان (کد ۰۱۵)</p> <p>گسترش و ارتقای آگاهی و سواد فضای مجازی در میان کنشگران و کاربران حقیقی و حقوقی فضای مجازی اعم از شهروندان و حکمرانان (کد ۰۱۶)</p> <p>تدوین استانداردهای پالایش و رگولاتوری محتوا و خدمات فضای مجازی (کد</p>	<p>تحدیر</p>

بخشی از دلالت‌ها برای سیاست‌ها و برنامه‌های فضای مجازی کشور	قاعده فقهی
<p>(۰۱۷) ایجاد نظام رده‌بندی محتوا و خدمات بر اساس شاخص‌های فرهنگی کشور و تعبیه نماد و برچسب‌های رده‌بندی تخصصی (موضوعی) و اختصاصی (سنی) (کد ۰۱۸)</p>	
<p>سالم‌سازی فضای مجازی از طریق تنظیم‌گری مشارکتی و جامع (کد ۰۱۹) حمایت از تولید محتوا و ارائه سرویس‌های مطلوب فضای مجازی بر اساس اولویت‌های سیاست‌ها و اسناد بالادستی فرهنگ در جمهوری اسلامی (کد ۰۲۰) مسدودسازی پلتفرم‌های ارائه خدمات و محتوای مغایر با اصول قانونی و شرعی در فضای مجازی (کد ۰۲۱) اعمال قوانین و مقررات فرهنگی کشور بر فضای مجازی با استفاده از سازوکارهای نرم رگولاتوری (کد ۰۲۲) توسعه اخلاق رسانه‌ای در فضای مجازی با جلب مشارکت ذی‌نفعان فضای مجازی (کد ۰۲۳)</p>	<p>تعظیم شعائر</p>
<p>منع اضرار متقابل ذی‌نفعان فضای مجازی نسبت به یکدیگر و ضرورت جبران اضرار احتمالی (کد ۰۲۴) حفظ آزادی دسترسی و بهره‌برداری ذی‌نفعان فضای مجازی در چهارچوب حقوق (کد ۰۲۵) تدوین و تکمیل نظام‌ها، پروتکل‌ها و استانداردهای حفظ حریم خصوصی و امنیت سایبری و اجتماعی تبادل اطلاعات در فضای مجازی برای جلوگیری از ضرر و زیان‌های محتمل (کد ۰۲۶) در نظر گرفتن مصالح و قواعد بازار و نیاز مشتری در ارائه خدمات و محتوا (کد ۰۲۷) تخصیص و توزیع بهینه، غیرانحصاری و غیراضراری منابع و نیز منافع حاصل از فضای مجازی با استفاده از اعمال رگولاتوری از طریق سیستم منسجم حاکمیتی (کد ۰۲۸) استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی در سرعت‌بخشی به توسعه بخش‌های مختلف نظام اجتماعی کشور (کد ۰۲۹) ایجاد زمینه‌های بومی‌سازی بخش‌های حیاتی فضای مجازی کشور با هدف</p>	<p>لاضرر</p>

بخشی از دلالت‌ها برای سیاست‌ها و برنامه‌های فضای مجازی کشور	قاعده فقهی
<p>پیشگیری از خسارات ناشی از وابستگی فنی و خدمات (کد ۰۳۰)</p> <p>پالایش محتوا و خدمات زیان‌بخش فضای مجازی متناسب با پروتکل‌های مصوب (کد ۰۳۱)</p> <p>برقراری روابط متوازن و غیراضراری در بخش بین‌الملل فضای مجازی با دولت‌ها و شرکت‌های خارجی (کد ۰۳۲)</p>	
<p>طراحی نظام مقررات‌گذاری و استفاده از ابزارهای متنوع رگولاتوری فضای مجازی در جهت گسترش محتوا و خدمات مطلوب بر اساس اسناد فرهنگی جامع و ملی در کشور (کد ۰۳۳)</p> <p>پیشگیری از وقوع تخلفات و جرایم فضای مجازی با تدوین قوانین و مقررات تخصصی این فضا و نظام رصد و پالایش دقیق و منسجم (کد ۰۳۴)</p> <p>استفاده از ظرفیت عموم کاربران فضای مجازی در راستای مطلوب‌سازی فضای مجازی از حیث فرهنگی و اخلاقی (کد ۰۳۵)</p> <p>ایجاد سازوکارهای لازم برای کاهش خصوصیت گمنامی و هویت‌های کاذب جعلی در فضای مجازی (کد ۰۳۶)</p>	اعانه بر اثم
<p>طرح‌ریزی تعاملات بین‌المللی فضای مجازی با اولویت حفظ منافع ملی (کد ۰۳۷)</p> <p>مقابله با یک‌جانبه‌گرایی و انحصارگرایی برخی از کشورهای قدرتمند از طریق حضور فعال در نهادهای تخصصی بین‌المللی فضای مجازی و همکاری با کشورهای با منافع مشترک (کد ۰۳۸)</p> <p>حفاظت و مدیریت ملی کلان داده‌های حیاتی و راهبردی کشور (کد ۰۳۹)</p> <p>کنشگری فعال در بازار فضای مجازی جهانی از طریق توسعه بخش‌های مختلف فضای مجازی کشور و گردش مالی ناشی از آن (کد ۰۴۰)</p> <p>بومی‌سازی لایه‌های مختلف فضای مجازی با توجه به شرایط و امکانات کشور (کد ۰۴۱)</p> <p>مدیریت وابستگی به کشورهای خارجی در توسعه فضای مجازی از طریق حذف یا به حداقل رساندن این وابستگی (کد ۰۴۲)</p>	نفی سبیل
<p>به کارگیری فضای مجازی در جهت سامان‌دهی ابعاد مختلف جامعه و تقویت نظامات زندگی اجتماعی (کد ۰۴۳)</p> <p>ایجاد نظم در فضای مجازی کشور از طریق قوانین و مقررات شفاف در این حوزه و اعمال رگولاتوری‌های متنوع و تخصصی (کد ۰۴۴)</p>	حفظ نظام

بخشی از دلالت‌ها برای سیاست‌ها و برنامه‌های فضای مجازی کشور	قاعده فقهی
<p>مقید و مشروط شدن سیاست‌های منع دسترسی به بخش‌هایی از فضای مجازی بر عدم اختلال در نظام زندگی اجتماعی عموم مردم مانند نظام آموزش، اطلاع‌رسانی و معیشت (کد ۰۴۵)</p> <p>منضبط کردن حکمرانی فضای مجازی و حفظ و تقویت امنیت و حاکمیت ملی (کد ۰۴۶)</p> <p>منع ایجاد اختلال و اشکال در زیرساخت‌های شبکه، مبادله داده یا دسترسی مشروع کاربران فضای مجازی (کد ۰۴۷)</p>	
<p>وابستگی به دولت‌ها و شرکت‌های خارجی در حد ضرورت‌ها و لزوم مدیریت آن (کد ۰۴۸)</p> <p>استفاده از انواع وی‌پی‌ان‌ها و سایر ابزارها و نرم‌افزارها در دسترسی‌های ضروری به پلتفرم‌های مسدود شده فضای مجازی (کد ۰۴۹)</p> <p>کاهش هزینه‌ها و صرف منابع ناشی از تصدی‌گری حداکثری دولت و نقش کم‌رنگ سایر ذی‌نفعان، در مقوله‌هایی مانند تنظیم‌گری، فیلترینگ و تصفیه حداکثری فضای مجازی از طریق مشارکت دادن و مقید کردن آن به موارد ضروری (کد ۰۵۰)</p> <p>استفاده از ظرفیت مشارکت سایر ذی‌نفعان فضای مجازی برای حکمرانی مطلوب فضای مجازی (کد ۰۵۱)</p> <p>گسترش نسخه غیربومی فضای مجازی در موارد ضرورت با هدف حفظ شتاب رشد و پیشرفت کشور (کد ۰۵۲)</p>	<p>اضطرار و ضرورت</p>

منابع و مأخذ

- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). *کفایة الاصول*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان‌العرب*. بیروت: دار صادر.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (بی‌تا). *کتاب‌المکاسب*. قم: تراث‌الشیخ‌الاعظم (ره).
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۹ق). *فرائد الاصول*. قم: مجمع فکر اسلامی.

- جوهری فارابی، ابونصر (۱۴۰۷ق). *الصالح تاج اللغة و صحاح العربیة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- حراملی، محمد بن حسن (۱۳۷۴). *تفصیل و سائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام الاحیاء التراث.
- حسینی زبیدی، سیدمرتضی (۲۰۰۰). *تاج العروس من جواهر القاموس*. کویت: مؤسسه الكويت للتقدم العلمی.
- الحسینی، السید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقہیہ*. قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعہ مدرسین.
- حسینی، سید علی (۱۳۷۸). *مروری بر بدائع الدرر فی قاعدة نفی الضرر*. دو ماهنامه آیینہ پژوهش. پاییز. دوره ۱۰. شماره ۵۸. صص ۷۳-۸۱.
- حسینی، سید علی (۱۳۹۶). *قواعد فقه فرهنگ و ارتباطات*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۸). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام (ره)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲). *تحریر الوسیله*. تهران: مؤسسه عروج.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۰ق). *الرسائل*. قم: اسماعیلیان.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۰ق). *کتاب البیع*. قم: اسماعیلیان.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۱ق). *مصباح الاصول*. قم: مکتب داوری.
- دانیایی فرد، حسن (۱۳۹۵). *روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا*. فصلنامه *روش‌شناسی علوم انسانی*. سال بیست و دوم. شماره ۸۶. بهار. صص ۳۹-۹۵.
- دانیایی فرد، حسن (۱۴۰۰). *رهنمودهای روش‌شناسی رئالیسم انتقادی برای پژوهش‌های مدیریت دانش: مطالعه‌ای بر اساس روش‌شناسی دلالت‌پژوهی*. فصلنامه *مطالعات*

- مدیریت راهبردی دفاع ملی. سال پنجم. شماره ۱۸. تابستان. صص ۱۷۶-۱۳۹. السند، محمد (۱۳۸۴). *اسس النظام السياسی عندا الامامیه*. قم: مدین.
- السند، محمد (۱۴۳۲ ق). *بحوث فی القواعد الفقهیه*. بیروت: دار المتقین.
- صاحب جواهر، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صاحب‌نصار، محمدحسین (۱۳۸۸). *شہید اول پایه‌گذار قواعد فقهی*. مترجم: عبدالله امینی‌پور. *فصلنامه فقه: کاوشی نو در فقه اسلامی*. دوره ۱۶. شماره ۶۱. پاییز. صص ۵۳-۲۰.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.
- عبداللهی علی بیک، حمیده (۱۳۸۳). *قاعده اضطرار*. نشریه مطالعات اسلامی. شماره ۶۳. صص ۸۳-۱۲۴.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶). *قواعد فقه: بخش حقوق عمومی*. تهران: سمت و مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۳). *القواعد الفقهیه*. قم: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). *العین*. قم: مؤسسه دارالهجره.
- فرحی، سیدعلی (۱۳۹۰). *تحقیق در قواعد فقهی اسلام*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- فلاح، مهدی (۱۳۸۵). *قاعده تحذیر: رویکرد فقهی و حقوقی*. *ماهنامه معرفت*. پاییز. شماره ۱۰۶. صص ۵۷-۴۷.
- فیروزآبادی، مجدالدین (۱۴۲۶ ق). *القاموس المحيط*. بیروت: مؤسسة الرسالة للطباعة و النشر و التوزیع.
- فیض الاسلام، سیدعلی نقی (۱۳۷۱). *نهج البلاغه*. تهران: چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
- قانع، احمدعلی (۱۳۹۷). *قواعد فقه در میدان فرهنگ و ارتباطات*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- مبلغی، احمد (۱۳۸۳). *فنون فقهی، راهکاری جهت توانمندسازی و توسعه فقه*. *فصلنامه فقه*:

- کاوشی نو در فقه اسلامی. شماره ۴۱. پاییز. صص. ۱۵-۳.
- محقق حلی، محمدبن حسن (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ق). *قواعد فقهی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مصری، ابن نجیم (۱۹۹۹). *الاشباه و النظائر علی مذهب ابی حنیفة النعمان*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مصطفوی، سیدمحمدکاظم (۱۴۲۱ق). *القواعد الفقهیه*. قم: نشر اسلامی جامعه مدرسین.
- معرفت، هادی (۱۳۷۷). *حدیث لاضرر از دیدگاه حضرت امام (س)*. در مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (س). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق). *المقنعة*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). *قاعده لاضرر، ترجمه القواعد الفقهیه*. قم: نشر امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۴۰۱ق). *قواعد فقهی*. تهران: مؤسسه عروج.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمدحسن (۱۳۷۷). *القواعد الفقهیه*. قم: الهادی.
- مهدی‌پور، حسین (۱۳۹۹). *نظریه سیاستی جمهوری اسلامی ایران در قبال فضای مجازی: از وضعیت موجود تا وضعیت مطلوب*. رساله دکتری تخصصی. دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات. دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی ج ۱۱. (۱۳۸۷). *موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام*. قم: مؤسسه دایرةالمعارف اسلامی.
- مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی ج ۱۴. (۱۳۸۷). *موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام*. قم: مؤسسه دایرةالمعارف اسلامی.
- نراقی، محمد بن احمد (۱۴۰۸ق). *عوائد الايام*. قم: الغدير.
- وحید بهبهانی، محمدباقر (۱۴۱۷ق). *الحاشیة علی مجمع الفائدة و البرهان*. قم: مؤسسه علامه وحید بهبهانی.

وطنی، امیر(۱۳۸۱). بررسی فقهی اضطرار و ضرورت. مقالات و بررسی‌ها. دوره ۷۱. تابستان. صص ۲۰۷-۱۸۷.